

# تعمید کا ار معرفت نفس

دکتر خاتم محمدی

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: محمدی، دهم، ۱۳۴۰-

عنوان و نام پدیدآور: تمهیدی بر معرفت نفس / کاظم محمدی.

مشخصات نشر: کرج: نجم کبری، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۷۴ص؛ ۱۴ در ۲۱ س.

شابک ۲-۰۲-۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۳۹.

یادداشت: نمایه

موضوع: نفس

Spirit: موضوع

موضوع: فلسفه اسلامی

موضوع: Islamic philosophy

رده‌بندی کنگره: ۵۵ BBR

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۵۷۹۳۵



نام کتاب: تمهیدی بر معرفت سائنس

نویسنده: دکتر کاظم محمادی

انتشارات: نجم کبری

لیتوگرافی: ناژو

چاپ و صحافی: ناژو

تیراژ: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۰۲-۲

## فهرست

|     |                          |    |
|-----|--------------------------|----|
| ۷   | مقدمه                    |    |
| ۱۳  | گسترده‌ی ادوات           | ۱  |
| ۱۸  | نفس و روح                | ۲  |
| ۳۲  | جسم و نفس                | ۳  |
| ۳۹  | افلاطون و نفس            | ۴  |
| ۴۱  | ارسطو و نفس              | ۵  |
| ۵۱  | تداوم اندیشه‌های بانیان  | ۶  |
| ۵۴  | پیشینه‌ی بحث نفس         | ۷  |
| ۶۴  | طرح اساسی بحث نفس        | ۸  |
| ۶۸  | نگرشها در باب نفس        | ۹  |
| ۷۸  | نکاتی در فلسفه‌ی افلاطون | ۱۰ |
| ۸۹  | جوهر نفس                 | ۱۱ |
| ۹۴  | جوهر و عرض               | ۱۲ |
| ۱۰۴ | تعریف به حد یا رسم       | ۱۳ |
| ۱۱۵ | کدام جسم؟                | ۱۴ |
| ۱۲۱ | قوة و فعل                | ۱۵ |

|     |                       |    |
|-----|-----------------------|----|
| ۱۲۶ | نفس یا روح بخاری؟     | ۱۶ |
| ۱۲۹ | فضای طلق و امکان عقلی | ۱۷ |
| ۱۴۱ | نومن و فنومن          | ۱۸ |
| ۱۵۳ | ادراک کلیات           | ۱۹ |
| ۱۶۴ | نظریه‌ی مُثل          | ۲۰ |
| ۱۷۵ | علم حضوری             | ۲۱ |
| ۱۸۱ | ...                   | ۲۲ |
| ۱۹۴ | پندیس نفس             | ۲۳ |
| ۲۲۰ | شواهد آیات            | ۲۴ |
| ۲۳۱ | شواهد حدیث            | ۲۵ |
| ۲۳۹ | کتابنامه              |    |
| ۲۴۹ | نمایه                 |    |

## مقدمه

پیشتر ایشانند کاین عالم نبود  
جان ایشان بود در دریای جود  
پیشتر از اینست، عمرها بگذاشتند  
پیشتر از کس است بر برداشتند  
پیشتر از نقش جان پذیرفته‌اند  
پیشتر از بحر درها سفته‌اند<sup>۱</sup>

در عالم خلقت و در جهان بشری شاید چیزی منسurer «انسان» نباشد، لا اقل برای خود انسان از دیرباز تا کنون چنین بوده است، هر چند که معرفت بر «خود» و شناخت نفس یکی از پیچیده‌ترین امور در عالم فکر و اندیشه است، ولی این معرفت به مرور در حال شدن می‌تواند است، بی این که در قالب الفاظ مجالی برای بسط و ظهور نهایی پیدا کرده باشد. تلاش خردمندان و فلاسفه از قدیم تا به امروز در یافتن حقیقت بودن نفس است، به عنوان چیزی که ما آن را انسان قلمداد

---

۱- مشنوی معنوی، با تصحیح دکتر کاظم محمدی، ۱۵، ب ۱۷۰-۱۶۸.

می‌کنیم و بی آن انسان دارای معنایی خاص و قابل عرضه نیست. معرفت نفس به گونه‌ای که در سخنان بزرگان است امری است مهم و حیاتی برای هر که بخواهد در این جهان راز آمیز به خوبی زیست کند و انسانی به سیر حقیقی خود ادامه بدهد. شاید برای حیوان و نبات به‌ستجه از برای یافتن خود و اندیشه‌ی در خود چندان مهم و حیاتی نباشد ولی شرط آدمیت در همین است که به خود اندیشه کند و در صدد یافتن حقیقت خود باشد. از این رو متفکران از هر سو، با دیدگاه‌های مختلف در پی آنند تا بتوانند نگاه خود را که از دریچه‌ی خرد عبور می‌کنند این انسان یا از خود و من ارائه دهند، در این راه دشوار و پر پیچ و خم ده‌ها نظریه وجود دارد که از سوی نظریه پردازان پدیدار شده است. در طول تاریخ حدوث این نظریات، جمعی به آن اندیشیده و در حصص آن نظری موافق و یا مخالف ایراد کرده‌اند و امروزه با گذشت هزار سال هنوز مهمترین و اصلی‌ترین مسئله‌ی انسان باز هم نفس انسان است. سانی که می‌اندیشد - نفس ناطقه یا روان گویا - و انسانی که قرار است در خود و در بیرون از خود تعقل نماید و به معرفت خود و غیر از خود نائل شود.

فیلسوفان قدیم که پیش از سقراط و افلاطون بودند هر یک در راستای فهم و دریافت نفس چیزی گفتند که برخی در خلال آثار افلاطون و ارسطو درج شده و از سوی ایشان نیز نقادی و نظری بر آن افزوده و منتشر گشته است. آثار ارسطو و افلاطون هنوز هم پیروان و دنباله‌روان خود را دارد، برخی آثار آن نکوی معنوی و برخی این نکوی عقلانی را در راستای حقیقت انسانی می‌پسندند، اما آن دو ستون محکم فلسفه نیز بی نقد و نظر نمانده‌اند، هر یک از سوی کسانی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و برخی از نظریاتشان رد و برخی نیز تعدیل و یا تصحیح شده است.

در دوران میانه و نوین نیز بسیاری در این راه تلاشهای مهمی کرده‌اند و نظریات مهمی را نیز برای ما ثبت کرده‌اند. از دکارت و هیوم و برکلی و کانت گرفته تا فیلسوفان جدیدتری به مانند مارکس و هگل، تا ویتگنشتاین و هایدگر. از دیگر سو در جهان گسترده‌ی اسلامی نیز از زمان کندی به بعد، بزرگانی چون حکیم فارابی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا، ابن رشد، خواجه نصیر و دیگران نیز به گستردن این بحث سعی وافر نمودند، بر این تعداد ارزشمند باید از دو فرد ویژه نیز یاد کرد. یکی سهروردی که از ستونهای مهم فلسفه‌ی او بحث نفس ناطقه است و دیگر حکیم ملاصدرای شیرازی که از دقیق‌ترین و معقول‌ترین حکمای جهان اسلام است که در خصوص نفس نیز در اسفار اربعه به تفصیل و به دقت سخن گفته است.

بحث نفس، بحثی گسترده و ناتمام است، حواشی بحث نفس نیز چنان که بعداً خواهیم دید بسیار زیاده است و پرداختن به یکایک آنها با در نظر داشتن نظریات مخالف و موافق - بی‌ری جز اطالهی بحث و تطویل کلام نخواهد بود. و این راقم در این کتاب بنای تطویل و تفصیل نیز ندارد و تنها به طرحی کلی از مسئله‌ی نفس پرداخته خواهد کرد. در عین حال معرفت نفس و یا عرفان نفس چیزی است که گذشته از حکمت و فلسفه، در دین و عرفان نیز مجالی عمیق و گسترده برای بحث آن وجود دارد که ما به طور مختصر به آن نیز اشارت خواهیم نمود.

این که نفس چیست؟

این که چه تعریف یا تعاریفی دارد؟

این که تعریف آن به حدّ است یا به رسم؟

این که ارتباط آن با روح چیست؟

این که چه نسبتی با جسم برقرار می‌کند؟

این که اثبات نفس و اثبات تجرّد آن چگونه است؟



این که ارتباط نفس با علم چیست؟

این که رابطه‌ی نفس با کلیات چگونه است؟

این که نفس چه فعالیت‌هایی دارد یا می‌تواند داشته باشد؟

این که چگونگی ارتباط و یا تعلق روح به بدن را می‌توان طرح کرد؟

این که حدوث نفس چگونه است؟

این که قدمت نفس به چه معنایی است؟

این که نفس چگونه است؟

این که مسأله‌ی تجرد و بساطت نفس را چگونه باید طرح کرد؟

این که یگانگی، دوگانگی و سه‌گانگی بودن نفس و بدن چیست؟

این که کمال نفس چیست؟

این که هبوط نفس به چه معنایی است.

و اموری دیگر که در این راستا قابل طرح و بحث و بررسی است. این

اجمالی بود از طرح بحث که باید با دقت و تأمل در اجزاء آن نظر

انداخت و چیزی مناسب را برای دوسداران حکمت و فلسفه ارائه داد.

مقولات بر شمرده شده هزاران صفت را در مآل تاریخ اندیشه به خود

اختصاص داده است، ذکری از آثاری که از این مآل نوشته و به انتشار

رسیده است خود کتابی دیگر خواهد بود. عرض آن در این بحث از

دیرباز مورد علاقه و دقت بوده و هم اکنون نیز با آن هم‌پیشینه، باز

هم چیزی از اعتبار نیاز به آن کاسته نشده است و تا انسان حردمند و

کنجکاو بر روی زمین باقی باشد مسلماً مسئله‌ی انسان و نفس انسانی

نیز به قوت خود برای تحقیق و بررسی باقی خواهد بود.

با توجه به این که کسی تعریفی خاص را که جامع و مانع از نفس باشد

هنوز ارائه نداده است، سیر بحث و چالش دیالکتیکی آن همواره باز و

گشوده خواهد بود. زیرا امکان تعریفی جامع و مانع برای آن وجود

ندارد، زیرا حدّ یقینی برای آن متصور نیست و چیزی که این گونه باشد

تعریف پذیر نیست، و لذا قالبی برای حصر آن وجود ندارد، و احیاناً تعریفی هم که در طول این اثر به واسطه‌ی اندیشمندان و فلاسفه‌ی قدیم بیان و مورد نظر قرار داده می‌شود تعریفی مبتنی بر حدّ تام نبوده و تنها به رسم یادی از نفس شده است، این است که همواره می‌تواند پذیرنده‌ی تعاریفی باشد که بر تعاریف گذشته جمع شود تا به کمال ممکن برسد. نوشتن آثار متعدّد در خصوص نفس که در همین دوره نیز از آن ده‌ها اثر منتشره را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از آن شاهد بود خود گواهی است بر این که هم اشتیاقی به بحث نفس برای اهل خرد وجود دارد و هم اینکه هنوز هم در صدد یافتن معانی دقیق‌تر و تازه‌تر از این بحث کهن هستند، کما این که وجود همین اثر نیز دلالت بر همین است، می‌تواند داشته باشد.

سخن گفتن از نفس از آن چیزی بیرونی نیست، و ما از چیزی سخن می‌گوییم که از ما و در درون ما است. این نیز یکی از مقولات مهمی است که در این باره در پیش از همین کتاب به آن اشاره کرده‌ایم که: آیا انسان می‌تواند از بیرون به خود پردازد و به عنوان یک موضوع به خود بنگرد و خود را مبرر شناسایی قرار بدهد؟ مطالعات ما نسبت به بسیاری امور، امری عادی وراطبعی است ولی در خصوص خود انسان چه؟ آیا آن نیز طبیعی است یا غیر طبیعی؟ و آیا اساساً می‌توان به خود شناسی نائل آمد یا نه؟

وقتی که در آیات قرآن نیز اشاره به سیر آفاقی و انفسی می‌شود، از انسان این سفر درون و برون را طلب می‌کنند نشان گر آن است که این مقوله همواره باید برای انسان مهم و جوشان باشد، و طبیعتاً برای کسی که به خوبی سیر آفاقی نکرده باشد سیر درونی و انفسی برای او شاید چندان مهم و قابل توجه به نظر نیاید، لذا باید به هر دو سیر متمرکز بود و به هر دو تمایلی عقلی نشان داد تا در این بین موقعیت خود را هم

برای خود و هم در عالمی که در آن زیست می‌کنیم مورد شناسایی قرار بدهیم. و چه کم‌اند کسانی که مرد این سلوک‌اند، خاصه که اگر مراد فلاسفه فهم وجود باشد، چنان که تلاش عارفان برای شناخت حضرت حق است، هر دو در گرو معرفت نفس است، چه اگر مراد از وجود، یافتن و شناختن او به عنوان واجب الوجود باشد و نیز مراد عارفان اگر شناخت او به عنوان خالق جهان است منظور باشد این هر دو در گرو معرفت نفس است و گویا بدون تأمل در خود و بدون شناختن در دست خود مجالی برای شناخت وجود و یا شناخت حق نخواهد بود. این است که هم نفس ناطقه به عنوان حقیقت وجود انسانی برای انسان در هر زمانی مهمترین امر محسوب می‌شود و آنان که در معرفت نفس به کمالاتی رسیده‌اند نسبت به دیگران ممتازتر و ارجمندتر خواهند بود.

امید است این اثر که تلاشی من‌عصر و طرحی کلی در شناخت بهینه‌ی نفس است مورد توجه مشتاقان انسان‌شناسی و فلسفه و عرفان قرار بگیرد و زمینه‌ای باشد برای اندیشیدن به هر چه بیشتر در مقولات مهم عقلانی و انسانی.

مؤلف  
کام محمدی  
۱۳۸۰ ویرش دی